

رابطه «زمینه‌های اصلی» و «معیارهای» اجتهاد طبری در بررسی و ترجیح آراء تفسیری

مهیار خانی مقدم *

محمد تقی دیاری بیدگلی **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۱

تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶

چکیده:

پژوهش حاضر با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به واکاوی کمی و کیفی رابطه میان زمینه‌های اصلی و معیارهای اجتهاد طبری در بررسی و ترجیح آراء متفاوت تفسیری در جامع البیان عن تأویل القرآن می‌پردازد. بر اساس تتبع نگارنده، طبری در ۱۹۵۲ مورد، به ذکر آراء مختلف تفسیری پرداخته و نظر اجتهادی خود را بیان می‌کند که برجسته‌ترین نتایج پژوهش درباره زمینه و معیار آنها بدین قرار است: ۱- طبری در چهار زمینه اصلی شامل بر «اسباب نزول»، «قرائت»، «عبارات قرآنی» و «مفردات قرآنی» به بیان آراء مختلف تفسیری و انتخاب نظر برگزیده خود پرداخته است. ۲- وی استفاده متعددی از شش معیار «سیاق و ظاهر آیات»، «شهرت و اجماع»، «کلام عرب (نحوی، بلاغی و لغوی)»، «اصالت تعمیم»، «روایت صحیح از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)» و «رسم المصحف قرآن» و همچنین استفاده معدودی از چهار معیار «عقل»، «نظر صحابه»، «احکام فقهی» و «تاریخ» در ترجیح میان آراء تفسیری داشته است. ۳- طبری در مجموع از سه معیار «سیاق و ظاهر آیات» (۷۰۱ مورد)، «کلام عرب» (۶۰۳ مورد) و «شهرت و اجماع» (۴۵۶ مورد) بیشترین استفاده را کرده است. ۴- وی در زمینه «اسباب النزول» بر معیار «سیاق و ظاهر آیات» (۵۱ درصد)، در زمینه «قرائت» بر «شهرت و اجماع» (۶۴ درصد)، در زمینه «عبارات قرآنی» بر «سیاق و ظاهر آیات» (۵۳ درصد) و در زمینه «مفردات قرآنی» بر «کلام عرب» (۴۴ درصد) عنایت بیشتری داشته است.

کلیدواژه‌ها: روش تحلیل محتوا، اجتهاد، جامع البیان، ابن جریر طبری.

مقدمه

وحی الهی که در قالب قرآن کریم بر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل گردید، نظامی جامع از آموزه‌های بینشی (ابراهیم/۱۰)، کُنشی (بقره/۱۸۷) و گرایشی (بقره/۴۴) را در اختیار انسان قرار داده است تا وی بتواند سبک زندگی خود در دنیا و سرنوشت و جایگاه خویش در آخرت را برگزیند. بر همین اساس است که مفسران از صدر اسلام تاکنون، به تبیین آموزه‌های قرآن پرداخته‌اند تا از رهگذر تفاسیر، فهم مسلمانان و در نتیجه کارکردهای اندیشه‌ای و مهارتی ایشان ارتقاء یابد. اما به دلیل آنکه مفسران قرآن بر مبنای گرایش‌ها و روش‌های گوناگون به این امر اهتمام ورزیده‌اند، نظرات مختلف و گاه متعارض تفسیری، ایجاد و رواج یافته است؛ البته نباید از نقش اندیشه‌های فرقه‌های منحرف و افراد نفوذی در زمینه مذکور، غافل شد (جلالیان، ۱۳۸۷: ۲۲۴). نکته‌ای که در این میان دارای اهمیت فراوان است، نحوه رویارویی با آراء گوناگون تفسیری و چگونگی برگزیدن رأی تفسیری صحیح است.

بدین‌رو، نگارنده درصدد است با مراجعه به تفسیر جامع البیان عن تأویل القرآن تألیف محمد بن جریر طبری (به عنوان یکی از تفاسیر جامع و کهن) موارد کمی و کیفی جزئیات روش مؤلف آن در زمینه مذکور را بررسی کند. می‌توان از «قدمت تفسیر طبری» - نگاشته شده پیش از سال ۲۹۰ هجری قمری (بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۶۱/۲-)، «شخصیت علمی طبری و عظمت تفسیر وی در میان صاحب‌نظران» (سیوطی، بی‌تا: ۷۹) و «تأثیر فراوان تفسیر وی بر مفسران بعد از خود» - مانند شیخ طوسی در التبیان فی تفسیر القرآن

(جعفر، ۱۴۲۰: ۱۰۷-۱۱۰) - به‌عنوان مهم‌ترین دلایل

انتخاب تفسیر مذکور، اشاره کرد.

طبری، انگیزه خود از نگارش جامع البیان را پدید آوردن تفسیری جامع، بیان دلیل‌های مورد اتفاق امت اسلامی در تفسیر قرآن، نقد آرای ناصواب و توضیح آنچه به نظر وی صحیح می‌رسد، بیان داشته (طبری، ۱۴۱۲: ۳/۱-۴) و بدین منظور، از چهار روش عمده برای بیان تفسیر آیات استفاده کرده است: ۱- نظر خود را مطرح کرده و به‌طور معمول با بیان عباراتی مانند «نحو الذی قلنا فی ذلک»، شواهد روایی نظر خود را ذکر می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۸/۱)؛ ۲- نظر خود را مطرح کرده و سایر نظرات نزدیک به نظر خود را با عباراتی مانند «نحو الذی قلنا فی ذلک قال أهل التأویل علی اختلاف منہم فی العبارة عنہ» گزارش می‌کند (طبری، ۱۴۱۲، ۹۵/۳۰)؛ ۳- آراء مختلف پیرامون جهات مختلف آیه را (حسب مورد) مطرح کرده و در اکثر موارد، ضمن تصریح به نظر خود، علت برگزیدن نظر خود را بیان می‌کند. ۴- ابتدا به بیان نظر خود پرداخته، سپس سایر نظرات معارض را بیان کرده و به‌طور معمول در انتها با بیان «إنما اخترنا القول الذی اخترنا فی ذلک»، علت انتخاب نظر برگزیده را بیان می‌کند.

پژوهش حاضر ناظر به روش سوم و چهارم طبری در رویارویی با آراء تفسیری و درصدد پاسخگویی به این پرسش است: «بر اساس روش تحلیل محتوا، بررسی کمی و کیفی رابطه میان زمینه‌های اصلی و معیارهای اجتهادهای طبری در

پژوهش‌های دیگر نخواهد بود، هر چند که روش و موضوع تخصصی این پژوهش، نوین است.

آشنایی اجمالی با شخصیت و تفسیر طبری

محمد بن جریر بن یزید طبری در سال ۲۲۴ هجری قمری در شهر آمل دیده به جهان گشود (ابن ندیم، ۱۳۹۱: ۲۹۱) و پس از آغاز تحصیلات خود در آمل، جهت کسب معارف اسلامی به شهرهایی چون ری، کوفه، مصر و شام سفرهایی داشت تا از محضر استادان حاذق زمان خویش بهره‌مند گردد. وی فقه مالکی و شافعی را از اصحاب آنان آموخت و پس از تکمیل تحصیل به بغداد رفت و به جز دو مسافرت به آمل، تا پایان عمر خود به تدریس و تألیف در بغداد پرداخت (حموی، ۱۳۹۳: ۲۴۴۲/۶).

برخی معتقدند که وی در ابتدا از مبلغان فقه شافعی بوده (سیوطی، ۱۳۹۶: ۹۶/۱) اما پس از دستیابی به درجه اجتهاد، مذهب فقهی جدیدی را به وجود آورده است (ابن ندیم، ۱۳۹۱: ۲۹۲-۲۹۳)؛ اما در مقابل، برخی معتقدند که وی از هیچ مکتبی تقلید نکرده است (ابن خلکان، ۱۹۷۱: ۱۹۱/۴). آزاداندیشی طبری و موضع‌گیری‌های وی در مقابل اندیشه‌های گروه حنابله - که در آن زمان در اوج قدرت بوده و بر مخلوق بودن قرآن، بی حرمتی در حق حضرت علی (علیه‌السلام) و تشبیه خداوند (ابن قتیبه، ۱۴۱۲: ۴۷) پافشاری می‌کردند - موجب شد تا رفت و آمدهای وی توسط حنابله محدود (ذهبی، ۱۴۱۹: ۲۰۲/۲) و متهم به گرایش به شیعه (رافضه) گردد (بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۶۴/۲؛ عسقلانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳/۵).

برخی از صاحب‌نظران وی را امام مفسران

بررسی آراء متفاوت تفسیری و برگزیدن نظر مختار در تفسیر «جامع البیان عن تأویل القرآن»، چه آموزه‌هایی را به دست می‌دهد؟» تا از رهگذر آن، ضمن به دست دادن چگونگی بهره‌گیری یکی از مفسران متبحر و معروف صدر اسلام از معیارهای اجتهاد در زمینه‌های تفسیر قرآن و ترجیح آراء تفسیری، نمونه‌ای از اهتمام نظام‌مند مسلمانان قرون اولیه اسلامی به تفسیر قرآن کریم ارائه گردد.

تاکنون پیرامون جنبه‌های مختلف تفسیر طبری، آثاری به زیور طبع آراسته شده است که درباره مبانی و معیارهای اجتهادهای طبری، به عنوان نمونه به سه مقاله اشاره می‌گردد: محمد فاضلی در مقاله «تفسیر طبری در نقد و بررسی» از سیاق و پیوستگی آیات، اجماع علما، شیوه معمول عرب، تعمیم بخشیدن به معانی و پرهیز از تقلید بدون حجت، خبر صحیح از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و معیار تاریخی به عنوان معیارهای طبری در بررسی آراء تفسیری یاد کرده و نمونه‌هایی را بیان کرده است (فاضلی، ۱۳۶۸: ۹/۱۴۶-۱۵۶). سیمین دخت شاکری در مقاله «مبانی تفسیرنگاری طبری»، مبانی طبری را شامل بر استفاده از ظاهر آیات، سیاق، حکم عقل، روایت معتبر، اجماع اهل تأویل، شیوه بیانی معمول عرب، اصالت تعمیم، فرهنگ روزگار نزول و قیاس دانسته است (شاکری، ۱۳۸۳: ۸۱). همچنین در مقاله «تأثیر سیاق در ترجیح قرائات در تفسیر طبری» نیز مسائل مختلف و مرتبط با موضوع مقاله مورد تحلیل قرار گرفته است (ستوده نیا، قاسم نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۵۰). به نظر نگارنده، وجود نقایصی چون پراکندگی، فقدان انسجام مناسب، تتبع ناکافی و جزئی‌نگری موجود در آثار مرتبط، مانع از

بیان روایات بسیاری از آثار مفقود، منبع مناسبی برای بازسازی آنها و یا دست‌کم اظهار نظر درباره آنهاست. به‌رغم آنکه در اکثر موارد از تفسیر طبری به عنوان تفسیری روایی نام برده می‌شود (ذهبی، ۲۰۰۰: ۱۴۹/۱)، اما توجه وی به نقد روایات، موجب شد تا دوره نگارش تفاسیر محض به پایان برسد (Goldziher, 1920: 93)؛ بدین‌رو می‌توان مکتب تفسیری وی را اجتهادی-روایی دانست (بابایی، ۱۳۹۱: ۶۰/۳).

انتقادات بر تفسیر طبری

۱- «عدم تصریح به شأن نزول آیات مرتبط با اهل بیت (علیهم‌السلام)، به‌رغم تصریح به آنها در منابع دیگر» (استادی، ۱۳۶۸: ۸۷-۹۹) - البته در موارد معدودی به فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) اشاره کرده (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۳) -
 ۲- «نقل اسرائیلیات» (طوسی، بی‌تا: ۱/۱) - (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۰/۲۹) - را وارد دانسته اند اما این موارد، مانع از توجه به شایستگی‌های علمی تفسیر طبری و انجام پژوهش‌های لازم بر اساس آن، نمی‌شود.
 طبری در شوال سال ۳۱۰ هجری قمری رحلت کرد (حموی، ۱۳۹۳: ۲۴۴۲/۶) اما از آنجا که متهم به تشیع بود، پیکر او را شبانه، در خانه خویش دفن کردند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۶۷/۱۱). برخی از محققان بر این اعتقادند که وی به مذهب تشیع گرویده است (جعفریان، ۱۳۶۸: ۴-۲۱) که این امر نیازمند بررسی و نقد است.

(الآدنه‌وی، ۱۴۱۷: ۴۸/۱) و از عالم‌ترین دانشمندان دانسته‌اند. با احتساب مدت عمر وی مشخص می‌گردد که وی در هر روز، چهل ورق مطلب علمی نگاشته است (سیوطی، ۱۳۹۶: ۹۷/۱)؛ همچنان که تصمیم داشت تا تفسیر خود را در قالب سی هزار برگه به شاگردانش املا کند که به سه هزار برگه اکتفا کرد (ابن جوزی، ۱۹۹۲: ۲۱۶/۱۳). از جمله آثار وی، کتاب مفصلی است که درباره طرق حدیث غدیر نگاشته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۲) و از دیگر آثار وی می‌توان به تاریخ الامم والرسول والملوک، اختلاف العلماء، القراءات و احکام شرائع الاسلام اشاره کرد (سیوطی، ۱۳۹۶: ۹۶/۱).

تفسیر طبری در میان دانشمندان اسلامی از اهمیت والایی برخوردار بوده است. به عنوان نمونه سیوطی معتقد است که تفسیر طبری، ارجمندترین تفاسیر است که بر اساس نظر اکثر علما، مانند آن تألیف نشده است (سیوطی، بی‌تا: ۷۹). علاوه بر مطالبی که در مقدمه، پیرامون ارزشمندی تفسیر جامع البیان مطرح گردید، می‌توان شاخص‌ترین دلایل برجستگی تفسیر طبری در میان تفاسیر نگاشته شده در دوره‌های مختلف تاریخ تفسیر را در دو عامل دانست (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷: ۶۰۱۸/۱۵: ۱- جامع‌البیان با حجم عظیمی از روایات تفسیری، بالغ بر ۳۸۴۰۰ روایت مختلف (GAS, 1990: 120)، گزارشی لحظه به لحظه از رویدادهای تفسیری پیش از خود ارائه داده است تا هم از نظر مضمون، منبعی غنی باشد و هم از نظر روش، الگویی مناسب برای اکثر آثار مهم تفسیری و غیرتفسیری گردد. چنان‌که این اثر با

مزیت‌هایی چون استناد دقیق و تحلیل خالص متن بدون پیش داوری، مورد توجه برخی از محققان معارف دینی قرار گرفته و به استفاده از آن، توصیه شده است (جانی‌پور، شکرانی، ۱۳۹۲: ۲۷-۳۰).

پس از تأمل در انواع روش‌های تحلیل محتوا که در منابع مختلف درباره آن بحث شده است، روش تحلیل محتوای مضمونی^۱ - که فراتر از شمارش عبارات یا کلمات در یک متن، به شناسایی ایده‌های صریح و ضمنی در داده‌ها می‌پردازد (Macqueen, Guest, 2012: 3) - جهت انجام این پژوهش انتخاب گردید که بر اساس آن، نمودار اجمالی فرایند روش پژوهش حاضر بدین ترتیب خواهد بود و در ذیل این نمودار به صورت تفصیلی به نمایش درآورده می‌شود:

روش پژوهش

از جمله روش‌های مناسب برای تحلیل اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها، روش تحلیل محتواست که در تعریف آن بیان داشته‌اند: «روشی نظام‌مند است که موجب می‌گردد محتوای یک متن بر اساس قوانین صریح و روشنی دسته‌بندی گردد.» (Weber, 1990: 12) در واقع بر اساس این روش، با تجزیه و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های استخراج شده از متن، جهت‌گیری و نقش هر کدام، بیان شده و چارچوب حاکم بر آنها کشف می‌گردد. مبنای این روش چنین است که می‌توان با تحلیل تعداد انعکاس و فراوانی کلمات ساده، آموزه‌های استنباطی قابل توجهی پیرامون مسائل مهم به دست آورد (Stemler, 2001: 431). این روش به دلیل



در مقام بیان تفصیلی فرایند پژوهش نیز، ذکر سه نکته ضروری است:

الف) نگارنده با مراجعه به تمامی مجلدات تفسیر طبری (۳۰ جلد)، بر محور کلیدواژه «اختلف» و مانند آن و با رصد عبارات طبری که بر نظر اجتهادی وی دلالت دارد، موارد کلی اجتهاد طبری را استخراج کرده که با مراجعه به یکایک آنها، تعداد ۱۹۵۲ مورد بر اساس موضوع پژوهش - نظرات اجتهادی طبری که بیانگر ترجیح آراء تفسیری است - انتخاب شد. ذکر سه نکته در این زمینه قابل اعتناست:

- می توان واژگان «أولی»، «عندی/عندنا» و «الصواب/بالصواب» را به عنوان کلیدواژه های دستیابی به اجتهادهای طبری دانست که فراوانی آنها بر اساس موضوع پژوهش، به ترتیب: ۹۳۸، ۶۰۳ و ۵۹۹ مورد است.

- طبری در موارد قابل توجهی به ذکر اقوال مختلف تفسیری اکتفا کرده و نظر برگزیده خود را بیان نداشته است که می توان علت این امر در اکثر موارد را مبتنی بر نظر طبری حاکی از آنکه «غیر نافع العلم به و لا ضار الجهل به» - دانستن برخی از مطالب، منفعتی ندارد و ندانستن آنها نیز ضرری نخواهد داشت - (طبری، ۱۴۱۲: ۸۸/۷) - دانست.

- اهتمام طبری بر عدم ذکر موارد تکراری در اجتهادها (که در بالغ بر ۴۰۰ مورد با ذکر عباراتی چون «فأغنی ذلک عن إعادته فی هذا الموضع» این موضوع را گوشزد کرده است) اندکی از دشواری این بخش از پژوهش، کاست.

ب) برای انتخاب معیارهای طبری در اجتهادهایش، تعدادی از آثار پژوهشی مرتبط مطالعه

شد و در مجموع، ده معیار «شهرت و اجماع»، «سیاق و ظاهر آیات»، «کلام عرب (نحوی، بلاغی و لغوی)»، «رسم المصحف قرآن»، «روایت صحیح از پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم)»، «اصالت تعمیم»، «عقل»، «نظر صحابه و تابعین»، «احکام فقهی» و «تاریخ» به دست آمد که معرفی مختصر آنها بدین شرح است:

- شهرت و اجماع: چنانچه یکی از اقوالی که طبری متذکر شده است، دارای شهرت بیشتری باشد یا اینکه اجماع مفسران بر یکی از آراء تفسیری (در زمینه های مختلف) باشد، این امر از ارزش والایی نزد طبری برخوردار است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱/۱۷).

- سیاق و ظاهر آیات: نگارنده به دلیل نزدیک دانستن تعاریف سیاق (نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت که بر اثر همراه بودن آنها با کلمه ها و جمله های دیگر پدید می آید (بابایی، ۱۳۸۹: ۱۲۰/۱)) و ظاهر آیات (معنای روشن و آشکار آیات (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۴/۳) که در واژگان و عبارات آن آشکار است) که در هر دو، قید تأمل در ظاهر آیات وجود دارد، همچنین با توجه به تأکید برخی از محققان مبنی بر آنکه طبری، اولین مفسر در تاریخ تدوین تفسیر بوده که به معنایی فراتر از مفهوم لغوی سیاق در کاربرد سیاق توجه نموده است (ستوده نیا، قاسم نژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۸)، سیاق و ظاهر آیات را در قالب یک معیار در نظر گرفته است؛ البته این امر بیانگر عدم عنایت بر تفاوت های آن دو نخواهد بود بلکه اشاره ای به شباهت ها و بهم پیوستگی آن دو است. طبری در موارد فراوانی برای ترجیح اقوال تفسیری بر یکدیگر، به سیاق و پیوستگی (طبری، ۱۴۱۲: ۳۸/۲۴) و ظاهر آیات (طبری، ۱۴۱۲:

تفسیری، آرایبی است که توسط صحابه نقل شده است. وی علت این امر را حضور و اطلاع ایشان از وقایع صدر اسلام می‌داند (طبری، ۱۴۱۲: ۶۸/۲۸).

- احکام فقهی: طبری در برخی از موارد نیز متناسب با حکم فقهی به انتخاب نظر تفسیری برگزیده خود می‌پردازد (طبری، ۱۴۱۲: ۷۴/۷).

- تاریخ: استفاده از گزارش‌های تاریخی نیز از دیگر معیارهای طبری در ترجیح یک از اقوال تفسیری بر سایر اقوال است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۴).

ج) با تتبعی در تفسیر طبری و تأملی در فرایند بررسی آیات توسط طبری مشخص گردید که وی درباره چهار جنبه برجسته‌ی آیات به ذکر آراء تفسیری و بیان اجتهاد خود می‌پردازد که شامل بر «قرائت»، «عبارات قرآنی» (ترکیب‌های اسمی و فعلی)، «مفردات قرآنی» (کلمه‌های با معنا در کلام عرب که شامل بر اسم و فعل می‌شود (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۶۰۸/۲-۱۶۱۲)) و «اسباب نزول» است. وی در بررسی مفردات و عبارات قرآنی، بر مفهوم و در مواردی هم مصداق، نسخ آیات و اعراب عنایت دارد که می‌توان آنها را زمینه‌های فرعی اجتهاد طبری نام نهاد.

تطبیق معیارها بر زمینه‌های اصلی مذکور (بر اساس عبارات طبری که بر نظر اجتهادی وی دلالت دارد) در قالب جدولی صورت پذیرفت و داده‌های پژوهش را به دست داد. از آنجا که ذکر تمامی اطلاعات جدول مذکور در این وُسع نمی‌گنجد، به عنوان نمونه تنها به ذکر دو جدول جزئی از تطبیق یکی از عبارات بیانگر اجتهاد طبری مرتبط در زمینه‌های قرائت و عبارات قرآنی اکتفا می‌گردد.

۱۰۱/۲۰) عنایت داشته و در مواردی نیز از ظاهر سایر آیات برای ترجیح آراء تفسیری در آیات دیگر استفاده کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۲۷، ۷۹/۲۱).

- کلام عرب: طبری از جنبه‌های مختلف نحوی، بلاغی و لغوی کلام عرب برای ترجیح اقوال استفاده کرده و در موارد متعددی به اشعار عرب جهت این امر استناد جُسته است (طبری، ۱۴۱۲: ۴۶/۸).

- اصالت تعمیم: طبری چنانچه هیچ دلیلی در ظاهر و سیاق آیات، احادیث نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، اجماع مفسران و مباحث عقلی نباشد، قابل به عدم تخصیص بدون وجود رجحان است و از ذکر مفهوم و مصداق خاص برای آیات، احراز می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴۹/۴، ۱۸۷/۵).

- روایت صحیح از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): از دیگر معیارهای طبری در ترجیح آراء تفسیری، روایات صحیح (به زعم طبری) نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که در زمینه‌های عبارات (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۰/۲۹) و مفردات قرآنی (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۴) و قرائات آیات (طبری، ۱۴۱۲: ۳۳۰/۲) مورد استفاده وی قرار گرفته است.

- رسم المصحف قرآن: از دیگر معیارهای طبری در ترجیح آراء در بخش قرائات، موافقت قرائت برگزیده با آنچه که به عنوان خط رسمی و رسم المصحف قرآن در میان مسلمانان رواج یافته، است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۹۰/۳).

- عقل: دلایل عقلی نیز در برخی از موارد توسط طبری مورد استناد قرار گرفته است تا یکی از اقوال بر اقوال دیگر ترجیح داده شود (طبری، ۱۴۱۲: ۶۳/۱۷).

- نظر صحابه: از دیگر معیارهای طبری در ترجیح آراء

عبارت بیانگر اجتهاد طبری	زمینه اجتهاد	معیار اجتهاد	فراوانی
الصواب من القراءه فی ذلک عندنا	قرائت	شهرت و اجماع	۲۵
الصواب من القراءه فی ذلک عندنا	قرائت	کلام عرب	۸
الصواب من القراءه فی ذلک عندنا	قرائت	سیاق و ظاهر آیات	۵
الصواب من القراءه فی ذلک عندنا	قرائت	رسم المصحف	۱

عبارت بیانگر اجتهاد طبری	زمینه اجتهاد	معیار اجتهاد	فراوانی
أولی الأقوال فی ذلک بالصواب	عبارات قرآنی	اصالت تعمیم	۴۰
أولی الأقوال فی ذلک بالصواب	عبارات قرآنی	سیاق و ظاهر آیات	۳۷
أولی الأقوال فی ذلک بالصواب	عبارات قرآنی	کلام عرب	۱۵
أولی الأقوال فی ذلک بالصواب	عبارات قرآنی	شهرت و اجماع	۶
أولی الأقوال فی ذلک بالصواب	عبارات قرآنی	روایت صحیح از پیامبر	۵

تحلیل کمی و کیفی داده‌های پژوهش

بر اساس داده‌های آماری، بیشترین اجتهادهای طبری

مطالب این بخش در دو بخش عمومی و تخصصی

در زمینه عبارات قرآنی بوده که در مجموع با ۹۱۹

ارائه می‌گردد:

مورد، بالغ بر ۴۷ درصد موارد پژوهش را شامل می-

۱- تحلیل کمی و کیفی عمومی

شود. پس از آن، زمینه قرائت با ۶۲۹ مورد و زمینه

می‌توان با یک نگرش کلی به داده‌های پژوهش، یافته-

مفردات قرآنی با ۳۸۳ مورد و اسباب النزول با ۲۰

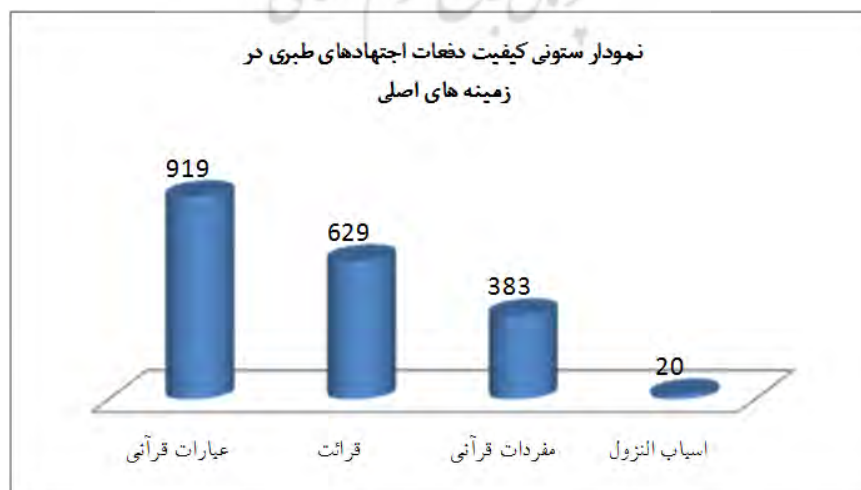
هایی را در دو بخش زمینه‌ها و معیارها به دست آورد:

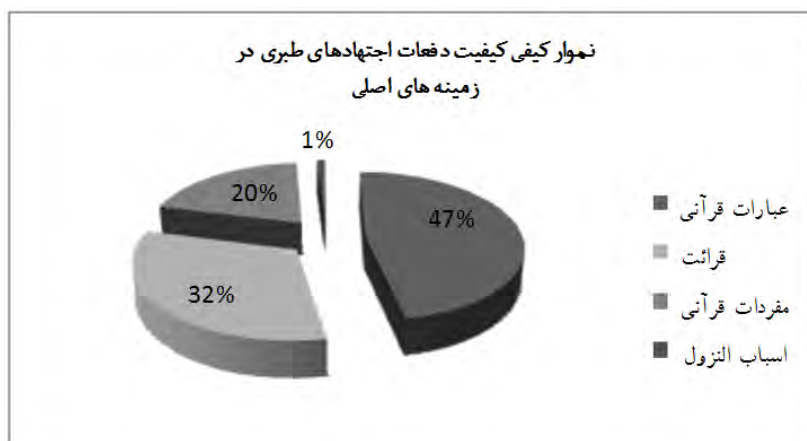
مورد قرار دارد. نمودار ستونی و کیفی کیفیت دفعاتی که

طبری در زمینه‌های اصلی به اجتهاد پرداخته، بدین قرار

است:

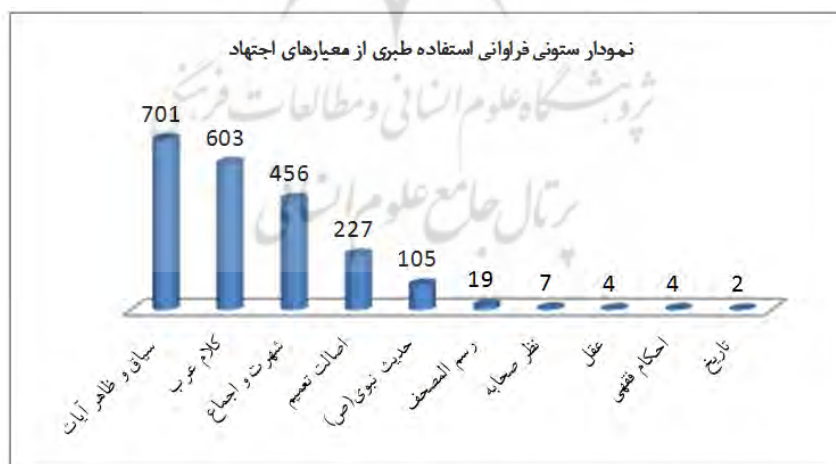
زمینه‌های ترجیح آراء تفسیری





قرائات خود توضیح داده است (طبری، ۱۴۱۲: ۵۰/۱). عنایت بر مفردات قرآنی (مفاهیم، مصادیق، نسخ و اعراب) و اسباب النزول در مراتب بعدی از توجه طبری قرار دارند.

معیارهای مؤثر در ترجیح آراء تفسیری طبری در ترجیح آراء تفسیری از ده معیار استفاده کرده که نمودار ستونی فراوانی استفاده طبری از معیارها بدین قرار است:



انگشت‌شمار است. بدین‌رو، می‌توان معیارهای اجتهاد طبری را به دو دسته پُرکاربرد، شامل بر شش معیار «سباق و ظاهر آیات»، «شهرت و اجماع»، «کلام عرب (نحوی، بلاغی و لغوی)»، «اصالت تعمیم»، «روایت

از داده‌های پژوهش به دست می‌آید که بیشترین وجه اهتمام طبری در تبیین عبارات قرآنی (مفاهیم، مصادیق، نسخ و اعراب) بوده است. پس از عبارت قرآنی، بیشترین توجه طبری به بحث قرائت بوده که این امر می‌تواند بیانگر تخصص طبری باشد و کتابی که وی به نام «القراءات» نگاشته است (سیوطی، ۱۳۹۶: ۹۶/۱)، مؤید این مطلب خواهد بود؛ البته وی در تفسیرش تاکید داشته که دلیل برخی از قرائت‌های برگزیده در ترجیح میان آراء مختلف را در کتاب

مهم‌ترین نکته‌ای که از یک نگاه کلی به استفاده طبری از معیارها در اجتهاد به دست داده می‌شود آن است که طبری از برخی از معیارها به دفعات استفاده کرده است اما در مقابل، استفاده وی از برخی از آنها

ارتباط کمی میان زمینه‌های اصلی و معیارهای
پُرکاربرد

می‌توان نمای کلی از تعداد دفعات بهره‌گیری طبری از
معیارهای پُرکاربرد در زمینه‌های اصلی اجتهاد و ترجیح
آراء تفسیری را در قالب جدول ذیل ارائه کرد:

صحیح از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) و «رسم
المصحف قرآن» و کم‌کاربرد شامل بر چهار معیار «نظر
صحابه»، «عقل»، «احکام فقهی» و «تاریخ» دسته
بندی کرد. بدیهی است در تحلیل رابطه زمینه‌ها با
معیارها، معیارهای پُرکاربرد دارای اهمیت بیشتری
خواهند بود.

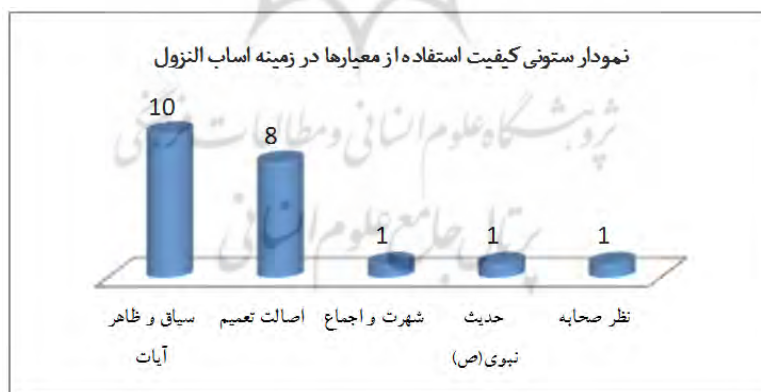
معیارها زمینه‌ها	سیاق و ظاهر آیات	کلام عرب	شهرت و اجماع	اصالت تعمیم	حدیث نبوی	رسم المصحف
اسباب النزول	۱۰	-	۱	۸	۱	-
قرائت	۱۱۱	۲۸۵	۳۸۷	-	۹	۱۹
عبارات قرآنی	۴۷۳	۱۴۸	۵۳	۱۶۱	۷۴	-
مفردات قرآنی	۱۰۷	۱۷۱	۱۶	۵۸	۲۲	-
مجموع	۷۰۱	۶۰۴	۴۵۷	۲۲۷	۱۰۵	۱۹

اسباب النزول

۲- تحلیل کمی و کیفی تخصصی

طبری از پنج معیار در زمینه اسباب النزول استفاده
کرده که نمودار مربوطه بدین شکل است:

در این بخش، کیفیت کمی و کیفی استفاده طبری از
معیارهای اجتهاد در هر یک زمینه‌ها، ارائه می‌گردد:



اساس مطالبی که در خود آیه و یا قبل و بعد از آن
وجود دارد، به انتخاب رأی تفسیری خود می‌پردازد. به
عنوان نمونه، ذیل آیه (وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ...)(انعام/۹۱)، سبب
نزول آیه را سخن مشرکان قریش دانسته و علت

طبری در بررسی اسباب النزول، به طور معمول
به ذکر اقوال مختلف بسنده می‌کند و بر اساس تتبع
نگارنده، در ۲۰ مورد پس از ذکر آراء مختلف، نظر
خود را با استناد به دلایلی بیان می‌کند که در این میان،
توجه ویژه وی به ظاهر و سیاق آیات است و بر

انتخاب این نظر را سیاق خبر اعلام می‌کند و تصور برخی که سبب آن را سخن اهل یهود دانسته‌اند را خلاف ظاهر سخن خداوند دانسته است، زیرا یهودیان به کتاب‌های آسمانی (صحف حضرت ابراهیم و موسی (علیهما السلام) و زبور حضرت داود (علیه السلام)) اعتقاد داشتند در حالی که خداوند در این آیه از اظهار تعجب عده‌ای درباره نزول کتاب آسمانی بر فردی از افراد بشر خبر می‌دهد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷۸/۷).

معیار دیگر وی، اصالت تعمیم است و در صورتی که وی بر اساس دلایل مختلف به صحت یکی از آراء تفسیری دست نیابد، بنا را بر عدم تخصیص می‌گذارد. به عنوان نمونه ذیل آیه (لَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ) (مائده/۴۱)، نظرات مختلف که سبب نزول آیه را نفاق این صوری یا ابولبابه و غیر آن می‌دانند، بیان می‌دارد و تصریح دارد که بحث آیه درباره منافقان است و سبب نزول آیه می‌تواند تمامی موارد مرتبط باشد و دلیلی برای تخصیص وجود ندارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۶).

استفاده از حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) از دیگر معیارهای وی در تشخیص رأی صحیح پیرامون اسباب النزول آیات است. به عنوان نمونه ذیل آیه شریفه (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ...)(بقره/۱۷۸) چهار رأی متعارض در سبب نزول آیه را بدین ترتیب بیان می‌کند: ۱- آیه در شأن قومی نازل شده که اگر بنده‌ای از آنان انسان آزادی را می‌کشت، اولیای مقتول در مقام قصاص تنها به کشتن قاتل راضی نمی‌شدند، بلکه مصمم بودند انسان آزادی را از اولیای قاتل به قصاص بکشند و اگر زنی، مردی را می‌کشت، اولیای مقتول همچنان به

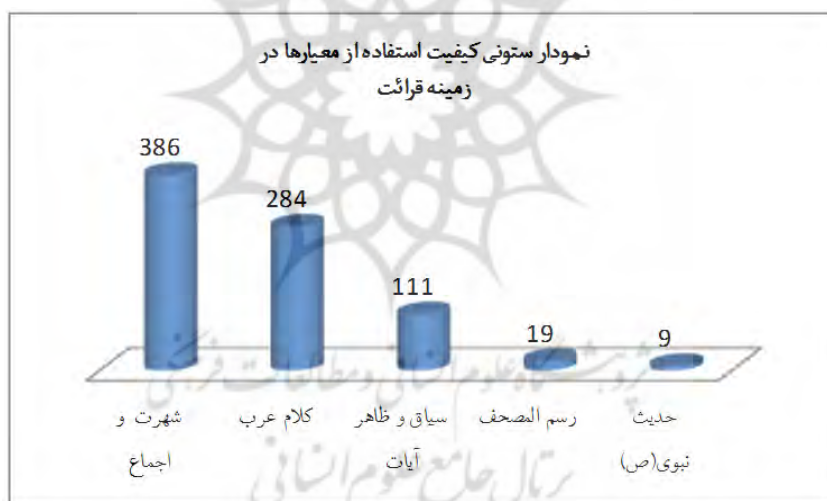
قصاص آن زن راضی نمی‌شدند، بلکه به جای او مردی را به قصاص می‌کشتند. ۲- آیه درباره دو قبیله اوس و خزرج نازل شده که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سلم) میان آنان جنگ سختی جریان داشت و هر کدام از دیگری، زنان و مردان زیادی را کشتند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مأمور به برقرار کردن صلح میان آن دو گردید و مأمور شد که دیه هر یک از مرد، زن و برده را از دو قبیله همانند قرار دهد. ۳- این فرمانی است از سوی خدا مبنی بر قصاص در مورد هر یک از آزاد، بنده، مرد و زن از شخص قاتل. ۴- آیه در حالی نازل شد که مردم در مقابل مردان و زنان و بنده و آزاد، قصاص عادلانه و متقابل نمی‌کردند. خداوند حکم قصاص را به شیوه عادلانه اعلام فرمود. آنگاه طبری قول چهارم را ترجیح داده و و اخبار فراوان با نقل متواتر از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را علت این انتخاب اعلام می‌نماید (طبری، ۱۴۱۲: ۶۰/۲-۶۲).

اما نکته‌ای که ذکر آن جالب توجه است، برخورد طبری با اسباب النزول برخی از آیاتی است که پیرامون فضایل اهل بیت: نازل شده است. به عنوان نمونه ذیل آیه اکمال دین (مائده/۳) به ذکر اقوال مختلف پیرامون سبب نزول «الیوم اکملت لکم دینکم» پرداخته و جالب آن است که به هیچ عنوان اشاره‌ای به واقعه غدیر خم ندارد و در انتها نیز نظر عمر بن خطاب (مبنی بر نزول آیه مذکور در روز عرفه و پس از فتح مکه و بیرون راندن مشرکان) را بر می‌گزیند (طبری، ۱۴۱۲: ۵۴/۶). در حالی که در کتب تاریخی (بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۷۴/۸) و تفسیری (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۵۹/۲) معتبر اهل سنت، حداقل به ارتباط واقعه غدیر خم به آیه مذکور اشاره‌ای شده است.

فاطمه (سلام الله علیها) در جریان نذر برای شفای حسنین (علیهما السلام) و اعطای غذای افطاریشان بر یتیم و فقیر و مسکین به مدت سه شب پیاپی، نازل شد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۳/۱۵)، هیچ اشاره‌ای به این واقعه ننموده است.

قرائت

از جمله زمینه‌هایی که طبری در موارد متعددی پیرامون آن به اظهار نظر و گزینش قول صحیح از نظر خود پرداخته، بحث قرائت است که در اکثر موارد به دو یا سه معیار استناد جسته است. کیفیت استفاده از معیارهای اجتهاد در زمینه مذکور بدین صورت است:



۱۴۱۲: ۵۵/۱۶، ۱۸/۱۶، ۴۱/۲۸، ۴۴/۲۹، ۱۱۶/۳۰) مورد اختلاف را به دلیل شهرت و معنای صحیح آنها پذیرفته و تاکید کرده است که قرائت به هر یک از آنها صحیح و صواب است، البته در موارد معدودی نیز با عباراتی چون «فبأیتهما قرأ القارئ فصیب غیر اونی مع ذلک أختار القراءه» (طبری، ۱۴۱۲:

همچنین ذیل آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (مائده/۵۵) به رغم تصریح منابع تفسیری اهل سنت (حتی معاصران طبری (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۱۱۶۲/۴)) به آنکه آیه به سبب انفاق حضرت علی (علیه السلام) در هنگامی که در رکوع نماز بود، نازل شده است، سبب نزول آیه را در سه قول مختلف «عباده بن الصامت»، «تمامی مؤمنان» و «حضرت علی (علیه السلام)» بیان کرده و از بیان نظر برگزیده، خودداری کرده است. و نیز ذیل آیه (وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا) (انسان/۸) و به رغم تصریح اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان مبنی بر آنکه در شأن حضرت علی (علیه السلام) و حضرت

همان‌گونه که در نمودار نیز مشخص است، طبری در زمینه قرائت، عنایت ویژه‌ای به دو معیار «شهرت و اجماع» قرائت‌ها و معنای لغوی آنها براساس «کلام عرب» داشته و این امر تا بدانجاست در ۲۳۸ مورد، هر دو قرائت (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶۹/۳، ۶۵/۵، ۱۷/۱۲، ۱۱/۱۸، ۱۱۸/۲۷) یا سه قرائت (طبری،

دلایل خود ذکر می‌کند. همچنین درباره قرائت «الملائکه» به دو قرائت مختلف (به رفع و کسر) اشاره می‌کند و قرائت رفع (به دلیل عطف بودن «الملائکه» به «الله») را برگزیده و برای اثبات صحت قرائت انتخابی، آیات ۲۲ سوره مبارکه فجر و ۱۵۸ سوره مبارکه انعام را ذکر می‌کند که در آن دو، واژه «ملائکه» به همین ترتیب قرائت شده است، حتی وی اشکال احتمالی بر آیه ۲۲ سوره مبارکه فجر که در آن «ملک»- نه ملائکه- به کار رفته است را مطرح کرده و تصریح دارد که در کلام عرب، گاه کلمات به صورت مفرد به کار می‌رود اما معنای جمع مورد نظر است (طبری، ۱۴۱۲: ۹۰/۲-۹۱).

همان‌طور که مشاهده گردید، طبری در بررسی قرائت کلمات آیه مذکور (که مورد اختلاف واقع شده‌اند) از چهار معیار «روایت صحیح از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، «رسم المصحف قرآن»، «سیاق و ظاهر آیات» و «کلام عرب» بهره برده است.

عبارات قرآنی

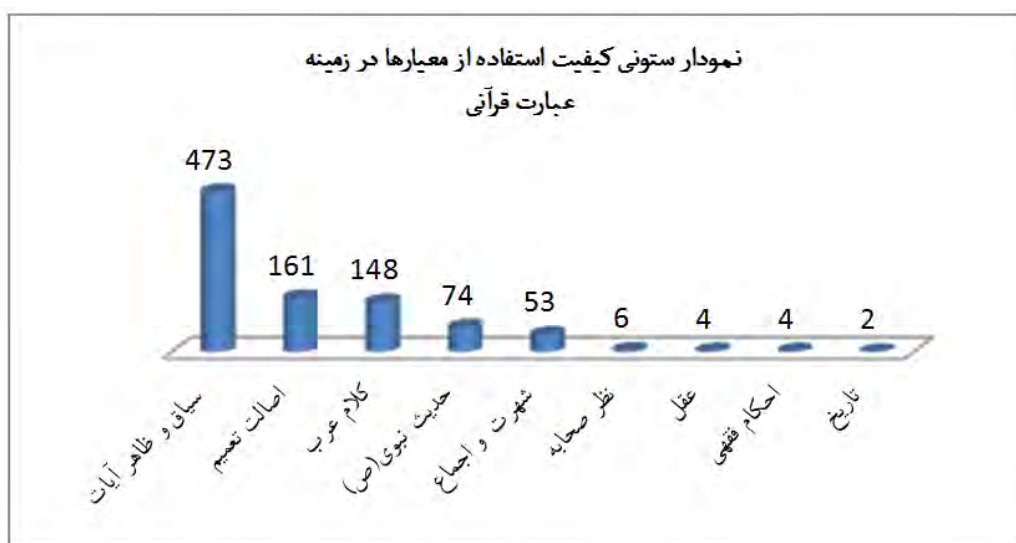
طبری در زمینه عبارات قرآنی (که بیشترین حجم از اجتهادهای وی در ترجیح آراء تفسیری را به خود اختصاص داده است) از قریب به اتفاق معیارها استفاده کرده که نمودار مربوطه بدین ترتیب است:

«فبأیتهما قرأ القارئ فمصیب غیر آن أعجب القراءتین إلی» (طبری، ۱۴۱۲: ۳۵/۱۹) و «فبأیتهما قرأ القارئ فمصیب و إن كان التشدید فی السین أتم عندنا فی ذلک» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۳/۲۳) بر یکی از آراء، تاکید بیشتری می‌کند.

نقش سیاق و ظاهر آیات نیز از دیگر معیارهای پرکاربرد که در ۱۱۱ مورد به کار رفته است. یکی از معیارهای طبری که تنها در بخش قرائت مورد استفاده وی قرار گرفته است، رسم المصحف است؛ بدین معنا که طبری در ۱۹ مورد، آنچه که به عنوان رسم الخط در مصحف قرآنی که در اختیار تمامی مسلمانان است و مورد پذیرش آنان قرار دارد را به عنوان معیار در ترجیح آراء متفاوت پیرامون قرائت قرار داده است.

استفاده از روایات پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) در نحوه قرائت نیز از دیگر معیارهایی است که توسط طبری در موارد معدودی به کار گرفته شده است. به عنوان نمونه، طبری پیرامون آیه (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةُ...) (بقره/۲۱۰) گزارشی از اختلاف در قرائت «ظلل» می‌دهد که برخی «فِي ظُلَلٍ» و برخی دیگر «فِي ظلال» قرائت کرده‌اند. سپس با ذکر روایتی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم) (إن من الغمام طاقات يأتي الله فيها محفوظا) قرائت نخست را می‌پذیرد و تطابق آن با رسم المصحف را از دیگر

عبارات قرآنی



واقعه ترک نماز جمعه به منظور داد و ستد با کاروان تجاری دارد) را پذیرفته و علاوه بر تأکید بر صحت سند روایت از جابر، علت آن را حضور جابر در میان مسلمانان صدر اسلام و مشاهده‌ی مستقیم اعمال آنها می‌داند (طبری، ۱۴۱۲: ۶۸/۲۸).

- وی در ذیل آیه (ذَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ...) (الانبیاء/۸۷) پس از ذکر آراء گوناگون، نظر خود را بیان می‌دارد که از توضیح طبری به دست می‌آید که پذیرفتن نظر افرادی که آیه را به گونه‌ای تأویل می‌کنند که گویا حضرت یونس(علیه السلام) اعتقاد داشته که خداوند قدرت احاطه و بازخواست از او را ندارد، بر خلاف عقل است، زیرا چگونه ممکن است که خداوند، فردی را به عنوان پیامبر برگزیند ولی آن فرد نسبت به خداوند کافر باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۶۳/۱۷).

- طبری در ذیل آیه (وَ سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ) (طور/۴۸) پس از ذکر دو رأی تفسیری، یکی را برگزیده و در نقد دیگری می‌نویسد، بر اساس اجماع مسلمانان در احکام نماز، به هیچ عنوان واجب نیست تا

همان‌گونه که از نمودار به دست می‌آید، وجه اهتمام طبری در ترجیح آراء تفسیری در زمینه عبارات قرآنی، در بیش از نیمی از موارد (۵۱ درصد) بر تطبیق بر اساس معیار «سباق و ظاهر آیات» است و پس از آن، معیارهای اصالت تعمیم (۱۷ درصد) و کلام عرب (۱۶ درصد) قرار دارد. توجه به چهار نکته در این زمینه قابل توجه است:

۱) از نکات قابل توجه، استفاده از چهار معیار کم کاربرد «نظر صحابه»، «عقل»، «احکام فقهی» و «تاریخ» در این زمینه است که به نمونه‌ای از بهره‌گیری از آنها اشاره می‌گردد:

- طبری ذیل آیه (وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ) (جمعه/۱۱) پس از ذکر آراء گوناگون، نظر جابر بن عبدالله انصاری (آیه خطابی از سوی خداوند به پیامبرش است مبنی بر آنکه در نزد خداوند، نشستن در نماز جمعه و استماع خطبه‌های رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) از ترک آن حضرت و اشتغال به کسب و کار، نیکوتر است و در واقع اشاره به

تا هم پیمانانی که با قسم به هم پیوسته‌اند از یکدیگر ارث می‌برند (طبری، ۱۴۱۲: ۳۵/۵).

۲) طبری در اکثر موارد به بیان مفهوم و مصداق عبارات قرآنی پرداخته است اما در مواردی نیز به بیان اختلاف آراء پیرامون اعراب عبارات نیز نظر می‌دهد که معیار وی در آن عرصه، کلام عرب به همراه سیاق و ظاهر آیات است. به عنوان در ذیل آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ ...) (مائده/۱۰۶) نظرات مختلف پیرامون علت رفع عبارت «شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ» را بیان داشته و در انتها نظر برگزیده خود را چنین بیان می‌دارد که واژه «الشهادة» مصدری است که بر اساس کلام بعد از خود («إِذَا حَضَرَ») مرفوع شده و علت این انتخاب را تطابق آن با قوانین کلام عرب می‌داند (طبری، ۱۴۱۲: ۶۷/۷).

۳) همچنین طبری بر اساس تتبع نگارنده در بالغ بر ۳۰ مورد به ذکر اقوال مختلف پیرامون منسوخ بودن یا نبودن عبارات قرآنی پرداخته است. وی معتقد به نسخ در دو جنبه نسخ در حکم (تغییر و تبدیل حکم اول به حکم دوم) و نسخ در تلاوت (آیه‌ای که بیانگر حکمی بوده، فراموش شود) است (طبری، ۱۴۱۲: ۳۷۸/۱). وی در این زمینه در موارد متعددی بر پایه معیار «سیاق و ظاهر آیات» به انتخاب نظر برگزیده پرداخته و در اکثر موارد به علت آنکه دلیلی برای نفی کامل حکم در آیه اول مشاهده نمی‌کند، رأی به عدم نسخ آیات می‌دهد. وی در موارد معدودی، نسخ آیات را می‌پذیرد، به عنوان نمونه تصریح دارد که بر اساس سیاق و ظاهر آیات و اجماع مسلمانان، حکم آیه (وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ) (بقره/۱۸۴) با آیه (فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ) (بقره/۱۸۵)

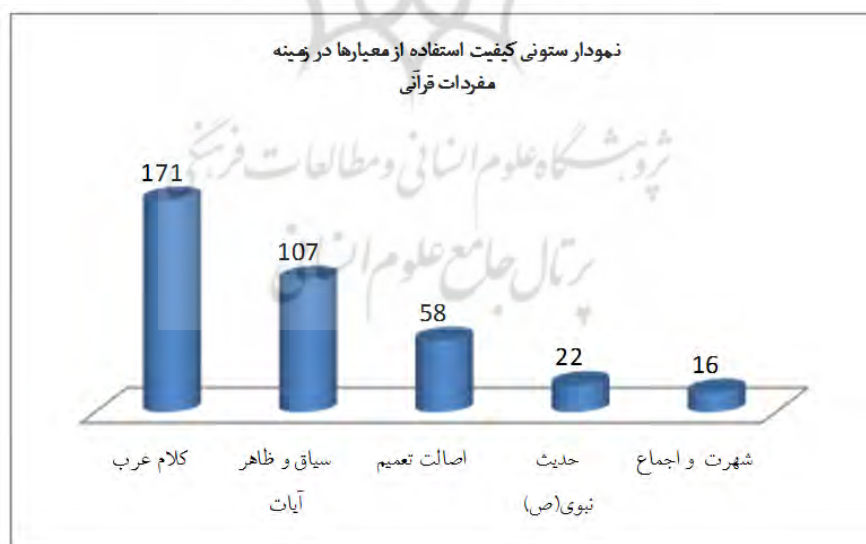
در آن ذکر «سبحانک و بحمدک» گفته شود تا آیه را بدین ترتیب تفسیر کرد که خداوند گفتن آن ذکر را بر اساس این آیه واجب گردانیده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۳/۲۷). همچنین در ذیل آیه (لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ...) (مائده/۸۹) که پیرامون كفاره سوگند دروغ است، نظرات اختلافی پیرامون قید « مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ...» را ذکر کرده و نظر خود (مبنی بر رعایت میانگین طعامی که در هنگام فراوانی و یا عدم فراوانی برای خانواده خود فراهم می‌کنید) را با استناد به احکام فقهی که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده و خود به آن عمل نموده است، مستند می‌سازد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۶/۷).

- وی در ذیل آیه (وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ...) (النساء/۳۳) درباره اختلاف مفسران پیرامون «الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ» گزارش می‌دهد که عده‌ای مراد از آن را هم پیمانانی دانسته‌اند که از راه قسم (نه قرابت و خویشاوندی) به هم پیوستند و از یکدیگر ارث می‌برند؛ عده‌ای آن را بیانگر همان عقد اخوت میان انصار و مهاجران دانسته‌اند که موجب شده بود تا آنها از یکدیگر ارث برند که البته بعداً حکم آن تغییر یافت؛ عده‌ای دیگر هم آیه را در خصوص افرادی دانسته که در دوران جاهلی فرزندان دیگران را به فرزندی خویش پذیرفته و آنها را در گرفتن میراث شرکت داده بودند. طبری نظر اول را می‌پذیرد و در مقام بیان علت این انتخاب تصریح دارد که همه آگاهان به تاریخ عرب می‌دانند که شیوه متداول عرب بر آن بوده

نیستی، به وسیله نطفه‌ای خلق می‌شود و حیات می‌یابد و دوباره با جدایی روح از جسمش، حیات خود را از دست می‌دهد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۳). همچنین در ترجیح اقوال تفسیری ذیل آیه (فَلَوْ لَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ) (واقعه/۸۶) با استناد به ظاهر آیه (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) (الفاتحه/۴) و در نظر گرفتن سیاق و آیه بعدی (تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (واقعه/۸۷) نظر برگزیده خود را بدین ترتیب بیان می‌دارد که اگر برخلاف واقعیت، خود را فارغ از جزای الهی می‌دانید، آرزوی مرگ کنید تا مشخص شوید آیا جزای خود را خواهید دید یا خیر (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۱/۲۷).

مفردات قرآنی

کیفیت استفاده طبری از معیارهای اجتهاد در زمینه مفردات قرآنی بدین ترتیب است:



قرآنی و ترجیح آراء تفسیری بر معیار «کلام عرب» قرار دارد. به عنوان نمونه در بیان معنای «ترائب» آراء

منسوخ شده است؛ زیرا از یک سو، ضمیر «ه» در «عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» به ذکر روزه (صیام) بر می‌گردد و از سوی دیگر، اجماع مسلمانان بر آن است که برای فرد غیربیماری که مسافر نیز نباشد اما روزه برای او طاقت فرساست، جایز نخواهد بود که روزه خود را افطار کند و به جای آن، افراد نیازمند را اطعام دهد (طبری، ۱۴۱۲: ۸۲/۲).

۴) نکته دیگر آن است که به‌رغم صبغه ربوبی

تفسیر جامع البیان، طبری در برخی از موارد از ظاهر سایر آیات برای ترجیح یکی از آراء تفسیری بر سایر آراء استفاده می‌کند که در واقع روش تفسیر قرآن به قرآن خواهد بود. به عنوان نمونه در تبیین آیه (تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ) (آل عمران/۲۷) از آیه (كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ أُمَمًا نَدًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ) (بقره/۲۸) استفاده می‌کند که بر اساس آن، انسان از

بر اساس داده‌های پژوهش در این زمینه،

بیشترین وجه اهتمام طبری در تبیین مفهوم مفردات

وی همچنین در ۵۸ مورد بر معیار «اصالت تعمیم» نیز عنایت داشته و به عنوان نمونه، از ذکر مصداق خاص برای واژه اسیر در آیه (وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا) (انسان/۸) احراز می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳۰/۲۹) از دیگر معیارهای طبری برای ترجیح آراء تفسیری در ذیل مفردات قرآنی، معیار «شهرت و اجماع» است که در ۱۶ مورد، مورد عنایت وی قرار گرفته است. به عنوان نمونه پس از ذکر اقوال مختلف در بیان معنای «الفافا» در آیه (وَ جَنَّاتٍ أَلْفَافَا) (نبأ/۱۶)، تاکید دارد که بر اساس اجماع مفسران، معنای واژه مذکور، «پیچیده» خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲: ۶/۳۰).

بحث و نتیجه‌گیری

برآیند مباحث مطرح شده در این پژوهش را می‌توان در سه نکته ارائه کرد:

- ۱- می‌توان از «اسباب نزول»، «قرائت»، «عبارات قرآنی» و «مفردات قرآنی» به عنوان زمینه‌های اصلی اجتهادهای طبری و از «سیاق و ظاهر آیات»، «شهرت و اجماع»، «کلام عرب (نحوی، بلاغی و لغوی)»، «اصالت تعمیم»، «روایت صحیح از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم)» و «رسم المصحف قرآن»، «عقل»، «نظر صحابه»، «احکام فقهی» و «تاریخ» به عنوان معیارهای اجتهادهای طبری در ترجیح میان اقوال تفسیری نام برد.
- ۲- طبری در ۱۹۵۲ مورد از تفسیر خود به ذکر آراء مختلف تفسیری پرداخته که در زمینه «اسباب

مختلف شامل بر «موضعی که گردنبند زن قرار می‌گیرد»، «میان شانه و سینه»، «اطراف دستها، پاها و چشم‌ها»، «عصاره قلب»، «پایین دنده‌های کمر»، «میان کمر و بالای سینه» را ذکر می‌کند و در تنها با استناد به کلام عرب و ذکر اشعاری، مفهوم آن را «موضعی که گردنبند زن قرار می‌گیرد» دانسته است (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/۹۲-۹۳).

پس از کلام عرب، سیاق و ظاهر آیات از دیگر معیارهای پرکاربرد طبری در ترجیح آراء تفسیری است. به عنوان نمونه در بیان معنای واژه «امشاج» در ذیل آیه (إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ...) (انسان/۲) اقوال مختلف را بدین ترتیب نقل می‌کند: ۱- مخلوط شدن منی مرد و زن؛ ۲- تغییر رنگ و حالت نطفه به علقه، مضعه و ...؛ ۳- عروقی که در نطفه قرار دارند. سپس با توجه به ظاهر آیه، نظر اول را می‌پذیرد، زیرا «امشاج» به عنوان صفتی برای «نطفه» آورده شده است، بدین ترتیب که چنانچه نطفه به شکل دیگری درآید، دیگر به عنوان نطفه شناخته نخواهد شد تا تغییر رنگ و حالت آن مورد توجه قرار گیرد (طبری، ۱۴۱۲: ۲۹/۱۲۶-۱۲۷). همچنین در بیان علت رفع واژه «جزاء» در آیه (وَ الَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرْهَقُهُمْ ذَلَّةٌ) (یونس/۲۷)، با توجه به سیاق آیه و تأکید بر آنکه در پیش از آیه مذکور، خداوند از آنچه برای اولیای خود مهیا کرده خبر می‌دهد و در این آیه از آنچه برای گناهکاران مهیا کرده خبر می‌دهد، واژه «جزا» بر اثر اضمار، به صورت مرفوع ذکر شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱/۸۷).

- النزول» بر معیار «سیاق و ظاهر آیات» در زمینه «قرائت» بر «شهرت و اجماع»، در زمینه «عبارات قرآنی» بر «سیاق و ظاهر آیات» و در زمینه «مفردات قرآنی» بر «کلام عرب» عنایت بیشتری داشته است.
- ۳- بررسی روش طبری در ترجیح آراء تفسیری بیانگر دو نکته قابل تأمل است: ۱- وی اصالت را به «ظاهر و سیاق آیات» داده و پس از آن، «کلام عرب» و «شهرت و اجماع» از دیگر معیارهایی است که وی، استفاده فراوانی از آنها داشته است؛ ۲- نگرش وی بیشتر معطوف به جنبه هدایتی قرآن است و با توجه به عقیده وی به بحث اصالت تعمیم، از محدود کردن آیات قرآن به افراد، گروه‌ها و حوادث خاص پرهیز می‌کند.
- منابع
- قرآن کریم
- الوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، به تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، به تحقیق اسعد محمد الطیب، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). *الکامل فی تاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن محمد (۱۹۹۲). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن خلکان، شمس الدین (۱۹۷۱). *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، به تحقیق إحسان عباس، بیروت: دار صادر.
- ابن قتیبہ الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم (۱۴۱۲). *الاختلاف فی اللفظ والرد علی الجهمیه والمشبهه*، به تحقیق عمر بن محمود أبو عمر، بی-جا: دار الرایه الطبعه.
- ابن کثیر، ابی الحافظ اسماعیل (۱۴۰۸). *البدایه و النهایه*، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب (۱۳۹۱ق). *فهرست*، به تحقیق رضا تجدد، تهران: محقق.
- الأدنه‌وی، أحمد بن محمد (۱۴۱۷). *طبقات المفسرین*، به تحقیق سلیمان بن صالح الخزی الناشر، عربستان: بی نا.
- استادی، رضا (۱۳۶۸). «اهل بیت رسالت در تفسیر طبری»، *کیهان اندیشه*، شماره ۲۵، تهران: انتشارات کیهان.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۹). *مکاتب تفسیری (ج ۱)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- _____ (۱۳۹۱). مکاتب تفسیری (ج ۳)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بغدادی، ابی‌بکر احمد بن علی (۱۴۱۷). تاریخ بغدادی، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۹۶). طبقات المفسرین العشرین، به تحقیق علی محمد عمر، قاهره: مکتبه وهبه.
- شاکری، سیمین دخت (۱۳۸۳). «مبانی تفسیر نگاری طبری»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مقالات و بررسیها، شماره ۷۶، صص ۸۱-۱۰۲، تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسقلانی، علی بن محمد بن حجر (۱۳۹۰). لسان - جعفر، ضیر (۱۴۲۰). الشیخ الطوسی مفسراً، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۸). «شخصیت علمی و فرهنگی طبری»، کیهان اندیشه، شماره ۲۵، صص ۴-۲۱.
- جلالیان، حبیب الله (۱۳۸۷). تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: انتشارات اسوه.
- حموی، یاقوت (۱۳۹۳). معجم الأدباء إرشاد الأریب إلی معرفه الأدیب، به تحقیق إحسان عباس، بی جا: دار الغرب الإسلامی.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۹). تذکره الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____ (۲۰۰۰). التفسیر والمفسرون، قاهره: مکتبه وهبه.
- ستوده نیا، محمدرضا، قاسم نژاد، زهرا (۱۳۹۲). -

- المیزان، بیروت: موسسه الاعلمیه للمطبوعات.
- فاضلی، محمد (۱۳۶۸). «تفسیر طبری در نقد و بررسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره دوم، صص ۱۹۰-۱۴۳، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۶۷). *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵). *رجال النجاشی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
- GAS, Gilliot, C. (1990). *Exégèse, langue et théologie en Islam: l'Exégèse coranique de Tabari*, Paris: vrin.
- Goldziher, Ignas (1920). *Die Richtungen der islamischen Koranauslegung*, Leiden: brill.
- Guest, Greg; MacQueen, Namey (2012). *Applied Thematic Analysis*, london: kingdom.
- Stemler, Steve (2001). "An overview of content analysis", *Practical Assessment, Research & Evaluation*, (17).
- Weber, R. Philip (1990). *Basic Content Analysis*, Newbury Park.

